

سنگر محکم تری لازم است

اول مه امسال و مباحثات حول آن نشان قدرت طبقه کارگر به عنوان یک موجودیت اجتماعی عظیم و مهم در ایران امروز است. این مدت و به مناسبت اول مه با همه گرد و غباری که در یک ساله گذشته حول "انقلاب" سبز راه افتاد، سرها بار دیگر به طرف طبقه کارگر چرخیدند. نگاهها بار دیگر به این موجودیت عظیم چشم دوختند و هر کس توقع و انتظاری را در مقابل این طبقه قرار داد. همین اندازه توجه و از جانب همه طبقات و اقشار اجتماعی و نمایندگان سیاسی آنها، نشان قدرت طبقه کارگر و توان بالقوه آن است. اما این توان بالقوه نه تنها در ایران بلکه در کلیه جوامع سرمایه داری یک حقیقت موجود است. بالفعل شدن این توان بالقوه اما تنها با شکل گرفتن صف متممیز و روشنی ممکن است که دست رد به سینه همه احزاب و نمایندگان سایر جنبشها، به سینه چپ ترین جناح آنها یزند.

در این مدت به مناسبت روز کارگر از خامنه ای و رفسنجانی، تا موسوی و کروبی، از احزاب و شخصیت‌های مختلف جناح سبز تا چپ بورژوازی به سخن آمدند و همگی در وصف کارگر گفتند و تلاش کردند توجه این نیروی عظیم را به خود جلب کنند. مسابقه ای که راه

صفحه ۲

مظفر محمدی

جنبش معلمان، گامی به عقب!؟



شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران در بیانیه ای معلمان را به اعتصاب غذای سراسری در روز ۱۲ اردیبهشت - روز معلم- دعوت کرده است. این بیانیه با توسل به سران دولت و قانون اساسی، " مشفقانه مدیران و گردانندگان جمهوری اسلامی را نصیحت می کند که انتقاد بپذیرند، جایگاه ویژه شان در شان نام جمهوری اسلامی نیست و احکام دستگیری معلمان به دین و میهن و انسجام ملی لطمه می زند..." و می افزاید: "امید می رود که عقلای قوم با تدبیر و درایت آبی بر آتش التهابات افشانند و به عنوان

محاکمه پاپ، تعرض بی خدایان به مذهب

سیف خدایاری

تلاش جمعی از بی خدایان مشهور مانند ریچارد داوکینز و کریستوفر هیچنز و حقوقدانان برجسته ای مانند جفری رابرتسون برای دستگیری بندیکت شانزدهم، بالاترین مقام مذهبی یک میلیارد مسیحی کاتولیک، هنگام سفر به انگلستان در سپتامبر جاری و دادگاهی کردن او به دنبال رسوایی جنسی گسترده کلیسا و حمایت سازمان یافته واتیکان از کودک آزاران و ایجاد زمینه برای تعرض جسمی و روحی به کودکان نقطه عطفی است که بی خدایان و انسانهای آزاد اندیش در مبارزه با مذهب بدان رسیده اند.

زمانی که مارکس مذهب را افیون توده ها نامید، هنوز بشریت از نقش مخرب مذهب در حیات اجتماعی انسانها بین اندازه آگاه نبود؛ به همین دلیل این گفته متفکر بزرگ، سالها از جانب مخالفان دواشته

مظفر محمدی

جنگ ۲۴ روزه سندج درسا و تجارب

چیزی که جنگ ۲۴ روزه مردم سندج نامیده می شود در واقع جنگ به معنای نظامی آن نبود. این جنگ يك طرف داشت. رژیمی تا دندان مسلح با جت های جنگی و هلیکوپتر و بمب و تانک و توپ و نیروهای سازمان یافته و مجرب بازمانده از رژیم شاه، به همراه دادگاه های شرعی و اعدام های صحرایی و بدون محاکمه... به مردمی حمله می کند که فاقد هر گونه سازمان نظامی، سازمان حزبی و توده ای

کارگران جهان متحد شوید!

اساسی مورد نظر، تناقض دارد. قانون اساسی و کلیه قوانین قضایی و شرعی و سیاسی جمهوری اسلامی اساسا برای در بند کشیدن انسان و حرمت انسانی، سلب آزادیهای سیاسی و اجتماعی، اجرای تبعیض جنسی و سرکوب و استثمار و در فقر و نیازمند نگه داشتن کارگران و مردم زحمتکش است. در این قوانین، معلم بدوا اسلامی و مجیزگوی دولت است تا معلم و مدرس و متخصص. در این قوانین دخالت مذهب در آموزش و پرورش با کثیف ترین شیوه های پلیسی ممکن سازمان یافته است. در این قوانین، آزادی بیان و دفاع از علم و پیشرفتهای بشر و دفاع از حرمت انسان در مقابل ارتجاع و بربریت جرم است. و بالاخره در این قوانین گرسنه نگه داشتن معلم و خانواده و فرزندانش امری معمول است.

صفحه ۲

اش با خصومت نقل شد و از جانب نوسندارانش چندان جدی گرفته نشد. امروز مخالفان مارکس نیز این واقعیت را پذیرفته اند که مذهب نه تنها افیون توده ها، بلکه سم، باروت و ویروسی است که قدرت تخریب بیشتری نسبت به افیون دارد. اسکندال کودک آزاری گسترده و سازمان یافته توسط نهاد کلیسا که هر روز نمونه های شنیع آن " کشف " و بر ملا می شود، یک نمونه بارز گسترش این ویروس است که تا کنون زندگی میلیونها کودک را به گند کشیده و دنیای شیرین کودکان را به کابوسی ناخوشایند در سرتاسر حیات آنان تبدیل کرده است.

تلاش برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی انسانها و بویژه کودکان به عنوان موجودات بی دفاع بخشی از مبارزه آگاهانه انسانهای آزادیخواه بوده است که در اکثر موارد کمونیستها پیشکسوت آن بوده اند. اقدام داوکینز و همکاران اگر چه تاکنون نتیجه چشمگیری نداشته است، اما حداقل کلیسای واتیکان را وادار کرده است اندکی از غرور متافیزیکی اش را بکاهد. روز هیجدهم آوریل، پپ بندیکت

و سازمان اقتصادی برای تامین نیازهای ابتدایی زندگی خانواده های خود و فاقد هر گونه سلاح و مهمات قابل توجه برای ایستادگی در مقابل این نیروی نابرابر بودند. تهاجم، زمانی شروع شد که مردم کردستان و بویژه بزرگترین شهر آن، سندج يك نوره کوتاه چند ماهه دخالت در زندگی خود را تجربه می کردند. فضای

صفحه ۴

جلسه با جمعی از فعالین اتحادیه های کارگری انگلستان در شهر برایتون صفحه ۳

حزب حکمیتست
گسترش فعالیت تروریستی جمهوری اسلامی صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سنگر محکم تری لازم ...

اقتاد و هنوز در جریان است، نه در دفاع از این طبقه، نه در اعتراض به موقعیت وخیم اقتصادی و سیاسی آن که در راستای تبدیل این نیرو به دنباله جیش واهرم تحقق اهداف ارتجاعی خونشان بود. نه کارگر دوستی جناب خامنه ای و رفسنجانی، و نه هفته کارگر خانه کارگر و نه وعده های "انقلابیون" سبز هیچکدام سر سوزنی به منفعت کارگر ربط نداشت و همه علیه منافع این طبقه بود. همه به خیابان ریخته اند و برای تحمیق طبقه کارگر و سربازگیری از صفوف آن مسابقه گذاشته اند.

در صف خود این طبقه، در میان رهبران و فعالین کارگری نیز تلاشی برای اتحاد و ایجاد همبستگی در جریان است که قابل تقدیر است. از این میان اقدام ده تشکل و نهاد موجود و ارائه قطعنامه مشترک و بیان بخشی از مطالبات این طبقه خود قدمی مثبت بود. اما در دل تحولات عظیم و فضای ملتهب سیاسی ایران، این اقدام در مقابل سبلی که برای ربودن استقلال طبقاتی کارگر، برای تار کردن نورنمای سیاسی اعتراض کارگری و هر نوع توقع برابری طلبانه که در جریان است، بشدت ناکافی است. مقابله با سیل جنبش سیاه و جنبش سبز با طیف رنگین کمان آن علیه انقلاب کارگری به کاری فراتر محتاج است. در این میدان هنوز نه گفتن محکم تشکل و فعال کارگری به جنبش سیاه حاکم و جنبش سبز که چشم طمع به مصادره اعتراض کارگری و بردن آن زیر پرچم و سیاست بخشی از طبقه سرمایه دار ایران دوخته است خالی است.

هنوز تقلا برای جدا کردن فاصله خود از جنبش ارتجاعی سبز که بر شانه چپ بورژوازی در کمین طبقه کارگر نشسته است، و به نام چپ و آزادیخواهی، تپشه علیه انقلابیگری کارگری برداشته است، بسیار نحیف است. هنوز جای اعتراض متحد کارگران در مراکز کارگری، جای اعتراض تشکلات موجود به هر دو جناح سبز و سیاه و به نمایندگان رنگارنگ آنها از محبوب تا حزب اکثریت و بقیه چپ "انقلاب" سبز غایب است. اگر قرار است اتحاد کارگر و اهمیت آن به خودآگاهی کارگران تبدیل شود، رکن مهم آن صف مستقل و روشنی است که به همه میگوید: آقایان جنبش و انقلاب شما ضدکارگری است، صف ما جدا است. منفعت ما یکی نیست. باور کنید ما به وجبهه متخاصم مربوطیم.

حزب حکمتیست

گسترش فعالیت تروریستی جمهوری اسلامی

طبق اطلاع حزب کمونیست کارگری ایران، جمهوری اسلامی در ادامه فعالیت جاسوسی و تروریستی خود در خارج کشور به کمک مراکز جاسوسی خود در سوئد و آلمان، ترور تعدادی از رهبران این حزب را در دستور داشته است که خوشبختانه افشا و ناکام مانده است.

این اقدام جاسوسی و تروریستی بخشی از پروژه چند دهه گذشته جمهوری اسلامی علیه نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور بوده است که اخیرا ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در دوره اخیر تلاش کرده است، فضای ترور و جاسوسی را در خارج کشور دامن بزند و همزمان فعالیت سیاسی علیه خود را با پرونده سازی جنائی کند. اقدامات دوره اخیر جمهوری اسلامی علیه حزب حکمتیست و توسل به پلیس بین المللی و اعلام لیستی از رهبران حزب ما به عنوان تروریست و بنیال آن اضافه کردن نام شخصیت‌های بیگری از اپوزیسیون به لیست اینترپل، بخشی از این تلاش تروریستی است.

علیه تروریسم جمهوری اسلامی، و گسترش فضای تروریستی در خارج کشور بطور جدی باید ایستاد. این اقدام علیه حزب کمونیست کارگری ایران و همه اقدامات تاکتونی مراکز جاسوسی و تروریستی این رژیم را باید به عنوان تعرض به کل اپوزیسیون در نظر گرفت و بی قید و شرط در مقابل آن ایستاد. باید معرفی و محاکمه تروریستهای جمهوری اسلامی و افشای کل پرونده و دادگاهی آنان را از دولتهای آلمان و سوئد خواست.

حزب حکمتیست به نوبه خود در راستای مبارزه با تروریسم و جاسوسی فضای تروریستی در خارج خواهد ایستاد و از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. ما همزمان کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همه نیروهای مترقی و انسان دوست و ضد تروریسم را به مبارزه جدی علیه اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی، فرامیخوانیم. تنها یک کار همه جانبه و یک مبارزه علنی و هماهنگ میتواند دامنه فعالیت تروریستی جمهوری اسلامی را سد کند و اقدامات جنایتکارانه آنها را ناکام بگذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

جنبش معلمان، گامی...

بربریت و تبعیض و نابرابری اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در جیب دارند. این را معلمان خود، بارها در اعتصابات و تجمعات و بیابیه هایشان در چند سال اخیر بیان کرده اند. بیابیه اخیر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان و شیوه مبارزه ای که انتخاب کرده اند به نسبت اعتصابات سراسری و مبارزات رادیکال و آزادیخواهانه معلمان و تلاشهای چندین ساله شان گامی به عقب است.

اعلام روز معلم به عنوان روز اعتصاب غذا و رفتن به گورستان ها، در واقع اعلام روز عزرا و پناه بردن به مزار کشته شدگان و اظهار عجز و لایه و دادن تصویری ضعیف و مایوسانه از جمعیت صدها هزار نفری معلمان است که آموزش و پرورش فرزندان و جوانان يك جامعه ۷۵ میلیونی را برعهده دارند!!

می فهمم، در شرایط غیر انسانی و بربریت جمهوری اسلامی، مردم را به روزی انداخته اند، برای اینکه حقوق ابتدایی شان را بخواهند اول باید چند بار به سر اسلام و قران قسم بخورند و چند شهید را شاهد بگیرند که مسلمان اند و هدفشان عزت و حرمت اسلام و میهن و از این قبیل است. یعنی بدوا انسان باید از استقلال و اعتماد بنفس و حرمت و کرامت انسانی اش مایه بگذارد و خود را به مقتضات نظامی اویزان کند که اساسا برای این سر کار است که عزت و حرمت را از انسان ها بگیرد. مگر نگه داشتن ده ها میلیون کارگر و میلیون ها معلم و پرستار و حقوق بگیر دیگر، زیر خط فقر و محتاج و گرسنه نگه داشتن شان، تعرض به عزت و حرمت انسانی آنها و جنایت نیست؟ مگر نه این که تعدادی سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد مملکت را صاحب اند و اکثریت مردم نیازمند مسکنی مناسب، خوراکی کافی و دارو و درمان بچه هایشان اند! مگر نه اینکه جماعتی سرمایه دار در مراکز مذهبی و نظامی و دولتی و در بخش خصوصی کل دارایی های مملکت را در اختیار دارند، در مقابل فقر و فلاکت از سرو کول جامعه ۷۵ میلیونی انسان های کارگر و معلم و کارمند و پرستار و زنان و مردانی که چرخ های جامعه را می چرخاند، بالا می رود!

آیا معلمان و تشکل شان نمی دانند که در چنین بربریت اسلامی که سگ صاحبش را نمی شناسد، توقع شفقت و حفظ حرمت و کرامت انسانی از سران جمهوری اسلامی و نمایندگان سرمایه داران ایران، توقعی بیهوده است؟ اگر شما يك آیه در جلب شفقت این ها بیابید هر امام جمعه شان صدتا آیه در توجیه و تفسیر نظام سرکوب و خفقان و

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

محاکمه پاپ، تعرض....

این رسوایی و وادار ساختن کودکان به سکوت است».

نکته ای که در مورد این قضیه باید مورد بررسی قرار گیرد، بی تفاوتی و سکوت افکار عمومی پیروان سایر ادیان مانند سایر شاخه های مسیحیت، یهودیان، مسلمانان است که در سکوت مرگبار نسبت به این فاجعه بسر می برند. رسوایی جنسی که ما در کلیسای کاتولیک شاهد بروز آن هستیم خصیصه مشترک و نهاییه در سایر ادیان و اشکال مختلف خرافات مذهبی است و این رسوایی کلیسای کاتولیک ذره ای از نقش مخرب سایر ادیان نمی کاهد. کودک آزاری بخشی از تئوری و پراتیک ادیان است و در این میان دین اسلام با ازدواج رسمی کودکان ۹ ساله، مثله کردن کودکان تحت نام ختنه، فرستادن کودکان به میدان های جنگ، حجاب و دکترینه کردن آموزشهای مذهبی نمونه عریان و خشن کودک آزاری است. اندیشمندان اسلامی به خوبی می دانند که هر گونه اظهار نظر در مورد این رسوایی نه تنها پته آنها را روی آب می ریزد بلکه محمد، شخصیت درجه یک نبیای اسلام را به خاطر سکس با کودک ۸ ساله به عنوان "پیامبر پدوفیل" روی صحنه رسوایی می برد. از عصر سیاه حاکمیت اسلام در زمان محمد که بگذریم، در عصر جدید و به یمن وجود خمینی ها، بن لادن ها و هزاران مقام مذهبی خرد و درشت، کودک آزاری رسمی هر روزه بازتولید شده و میلیونها قربانی از سوماتی تا استکهلم گرفته است. از این نظر سکوت آنها در خصوص رسوایی اخیر واتیکان نشان از "هوش سرشار" و محاسبات دقیق آنها دارد.

از مدعیان پروپاقرص اسلام سیاسی که بگذریم، برخورد مدعیان دموکراسی و " سکولارهای وطنی" در ایران نیز تماشایی است. گویی این اسکندال جنسی و تلاش بی خدایان برای در هم شکستن دیوارهای خرافات مانند بسیاری از موارد، آزمون سختی برای مدعیان "سکولاریسم قلبی" و ژورنالیسم رسوای آنها بوده است. ژورنالیسم جنبش ملی اسلامی که دنبال سرفه هر شیدای مانند منتظری و موسوی سطرهای نویسنده و صفحه ها سیاه می کنند و کارشان به جایی کشیده که نتیان ها و تسییح های خامنه ای و تعداد صیغه های این یا آن جایی را مایه کار خود قرار دهند، در مورد این فاجعه عظیم انسانی سکوت کرده اند. (به حق هم نه در مصلحت خود نمی بینند و نه شایستگی این را دارند در این مورد قلم بر کاغذ بگذارند). ممکن است

ژورنالیسم ملی - اسلامی مانند بسیاری از همکاران خود در غرب این رسوایی را درون خنگی و مختص کلیسای کاتولیک قلمداد کنند. اما از طرف دیگر در چند ماه گذشته در تلاش بودند بشریت متمدن را با " جنبش سبز" همراه کنند. این سیاست یک بام و دو هوا شاید مختص این جنبش سراپا ارتجاعی ملی - اسلامی باشد که همه چیز را کاسبکارانه و مطابق نیازهای خود تعریف می کند. این نمونه از ولاحت جنبش ملی - اسلامی سنگ عیاری است که درجه سکولاریسم و دمکرات بودن بسیاری از مدعیان دروغین را می سنجد.

صرفظنر از اینکه این اقدام تا چه حد عملی شود - کاری که عملی شدن آن در گرو حمایت مالی، سیاسی، معنوی انسانهای آزاد اندیش و در صف مقدم آن ما کمونیستهاست - این اقدام یک تعرض جدی به مذهب است. رسوایی جنسی فاش شده توسط انسانهای آگاه نشان داد که بر خلاف تصور بسیاری از انسانهای رادیکال برای کوتاه کردن دست مذهب از تعرض به انسانیت، سکولاریست بودن کافی نیست. اگر منظور از سکولاریسم جدایی دولت از دین باشد، تقریباً در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای که این جنایات روی داده و رسوایی آنها توسط انسانهای آگاه و آذینخواه و آنتیست جار زده شده است مانند آمریکا، انگلیس، آلمان، ایرلند، اتریش، سوئیس و بطور فرمال و از نظر قانون، نظام سکولار برقرار است. اما نظام سرمایه داری که بر اساس استثمار هر چه بیشتر طبقه کارگر شکل گرفته، برای سرکوب و در انقید نگهداشتن انسانها بشدت به مذهب نیاز دارد و تلاش می کند هر گونه نقد به مذهب و تعرض انسانهای آزاد اندیش را در نطفه خفه کند. در دنیای وارونه سرمایه داری طبقه کارگر که برای احقاق حقوق بدهی خود مبارزه می کند با پلیس، دادگاه، زندان و سرکوب روبرو می شود در صورتیکه روحانیون و شیدان چون ابزار انقید هر چه بیشتر انسانها هستند و وجود آنها سلامت روحی و جسمی جامعه را به خطر انداخته است، دارای مصونیت قانونی هستند.

نکته آخر به نظر من این است که "شکست" یا ناکامی آنتیست ها در پیشبرد اهداف خود نباید از جانب مبلغان بلاهت و نادانی مصادره به مطلوب گردد. شکست در این عرصه فقط نتیجه نبرد دو نیرو است که یکی تمامی امکانات جامعه را در قبضه خود دارد و دیگری با "امکانات" بشدت محدود به این نبرد نابرابر رفته است.

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست

گزارشی از جلسه با جمعی از

فعالین اتحادیه های کارگری

انگلستان در شهر برایتون

روز دوشنبه ۱۹ آوریل، ورکرز لیبرتی (ارگان آزادی طبقه کارگر) در حاشیه کنفرانس اتحادیه بخش بهداشت عمومی و اتحادیه دانشجویان انگلیس در شهر برایتون جلسه سخنرانی و گفت و شنود برای جمال کماتر از حزب حکمتیست ترتیب دادند.

موضوع سخنرانی شامل:

۱- سوسیالیست ها و حمایت بین المللی از کارگران ایران

۲- اهمیت ایجاد صف مستقل طبقاتی کارگران در برابر جناح های سبز و سپاه جمهوری اسلامی بود.

ابتدا ختم کترین از ارگان آزادی طبقه کارگر طی سخنانی به عدم توجه کافی سوسیالیستها و اتحادیه های کارگری انگلیس به مبارزات طبقه کارگر در ایران اشاره کرد و گفت اینگونه جلسات تلاشی است که فعالین کارگری در این کشور بیشتر با مسائل و معضلات کارگران ایران آشنا شوند و راههای موثر دفاع و حمایت از کارگران ایران را از زبان فعالین و احزاب کارگری آن بشنوند.

جمال کماتر در شروع بحث های خود ضمن تشکر و قدردانی از برگزار کنندگان گفت: "تجمع امروز ما در حالی است که تنها ۱۰ روز به اول ماه مه باقی مانده است و چه پیامی بهتر از اعلام همبستگی ما با طبقه کارگر ایران. وی در ادامه گفت: "طبقه کارگر ایران با وجود شرایط خفقان و بمراتب سخت تر برای مبارزه اما، سرنوشتی متفاوت از طبقه کارگر در کشورهای مختلف ندارد. در ایران مبارزه طبقه ما علیه دولت و کارفرما، علیه سطح دستمزد پایین و حقوق های معوقه به اشکال متفاوت در جریان است. فعالین و پیشروان کارگری همچون اسالو و مندوی و رخشان همان ها که در صدد سازمان دادن اعتراضات، اعتصابات و تشکیل اتحادیه ها و سندیکاها بودند توسط جمهوری اسلامی دستگیر و روانه زندانها شده اند."

وی با اشاره به موضع رادیکال رهبران و فعالین کارگری در مورد ماهیت جنگ جناح های جمهوری اسلامی بعد از رویدادهای بعد از انتخابات خرداد پارسال افزود: " برای پیشروان کارگری نظیر یدالله

خسروشاهی تشخیص ماهیت جنگ جناحهای رژیم کار سختی نبود. در فقدان صف رادیکال و مستقل اعتراض طبقه کارگر، بار دیگر جنبش های مترجع بورژوازی پیروز شدند."

وی در ادامه صحبت های خود، موضع حزب حکمتیست را با رجوع به سند "انچه باید آموخت" بطور مفصل توضیح داد که مورد استقبال حضار قرار گرفت. در جدالهای دائمی و ناگزیر بخش های مختلف بورژوازی، تلاش بر سر این است تا طبقه کارگر، یا بخش های مختلف آن، را به لشکر خود تبدیل کنند. امسال بیشتر از همیشه فعالین کمونیست و ژیتاتورهای طبقه کارگر باید علیه این خرافه مبارزه کنند. ایجاد صف مستقلی از اتحاد و همبستگی با کارگران ایران ضروری است. تنها این همبستگی بین المللی است که اجازه نمی دهد طبقه کارگر به سربازان پیاده نظام جنبشهای دیگر تبدیل شود. فقط این اتحاد است که باعث بالا بردن سطح آگاهی درونی کارگران بعنوان یک طبقه واحد و یک ارتش طبقاتی - جهانی میشود.

جمال کماتر در بخش چگونگی حمایت از کارگران ایران ضمن قدردانی از کارهایی که تاکنون انجام شده پیشنهاد کرد که "کارگران و کمونیست ها در انگلیس جهت اعلام همبستگی و حمایت موثر از کارگران ایران بهتر است در مراکز کار و تولید خود برای چند دقیقه هم که شده دست از کار بکشند. در این راستا اتحادیه های کارگری انگلیس خواهان اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شوند و خواهان آزادی تشکل و اعتصاب برای کارگران در ایران باشند.

در بخش پرسش و پاسخ از جوانب مختلفی به موقعیت طبقه کارگر در ایران، موقعیت فعالین کارگری و نحوه برخورد به اعتراضات در ایران پرداخته شد. بحثها با استقبال شرکت کنندگان در جلسه روبرو شد. این جلسه به زبان انگلیسی بود و دو ساعت به طول انجامید.

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست

۲۴ آوریل ۲۰۱۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جنگ ۲۴ روزه سندج در سهوا و...

نتیجه این تعرض و تهاجم وحشیانه به مردم بی دفاع و تحمل يك جنگ نابرابر از پیش روشن بود. اما نزدیک به يك ماه مقاومت و دفاع مردم سندج در برابر این تهاجم نشانه این بود که این مردم نمی خواهند تحت تسلط حاکمیت بورژوازی و اسلامی جنید در آیند. نمیتوان جز با زور و جز با يك سازماندهی يك جنایت علیه بشریت و کشتار کودکان و زنان و مردم بی پناه و تخریب خانه هایشان وادار به تسلیم شان بود.

اما همین مدت کوتاه هم کار جدی و اساسی ای دز زمینه سازماندهی سیاسی و اقتصادی و تسلیح مردم انجام نشد. امور جامعه خوبخودی پیش می رفت و کومه له به عنوان بزرگترین جریان چپ سیاسی آن موقع در سندج، فاقد خصوصیت يك حزب با افق و برنامه سیاسی و تاکتیک های روشن بود.

اگرچه در این مدت نیم سال کردستان آزاد بود، اما بجز اقدامات جزئی و موقتی، چیزی متفاوت از سابق انجام نشد. الگویی متفاوت برای زندگی مردم، برای اداره امور، چشم انداز يك زندگی آزاد و برابر از نظر اقتصادی و سازمان توده ای و دخالت مردم در سرنوشتشان، نشان داده نشد. شوراهای کارگران و مردم برای اداره شهر سازمان نیافتند. يك برنامه سیاسی و اقتصادی متفاوت که مورد توجه و حمایت مردم باشد در دستور قرار نگرفت. عملاً يك حاکمیت واقعی و با دخالت کارگران و مردم سازمان نیافت. درحقیقت حاکمیت به معنای واقعی اش در این مدت معلق بود. چپ و کمونیست ها توانایی سازماندهی يك حاکمیت شورایی و توده ای را نداشتند. حاکمیتی با افق جامعه ای آزاد و برابر و قوانینی آزاد و انسانی که زن و مرد در آن برابر باشند، اعدام ممنوع باشد، تبعیض و ستم از هر نوع آن ممنوع باشد. انسان حرمت داشته، کودک حرمت داشته باشد و... این اتفاق رژیم نماینده انقلاب و آزادیخواهی نیست و خواستها و آرزوهای انسانی کارگران و زحمتکشان و مردم انقلابی را برآورده نمی کند. این رژیم بورژواها برای حفظ و تدوام استثمار کارگر، سرکوب آزادی ها، تحمل آپارتاید جنسی و پیامال کردن هر گونه شادی و آرزوهای جوانان است. شاید در آن زمان این برای توده وسیعی از مردم ایران که تحت تاثیر تبلیغات فریب دهنده و وعده های توخالی عدالتخواهی جمهوری اسلامی از طرفی و پروپاگاندا

کثیف این دولت و سرانش علیه مردم آزادیخواه و کمونیست ها و مردم کردستان بودند، باور کردنی نبود. اما بتدریج این حقانیت در عمل ثابت شد. سلاخی کشید.

یا سرکوب انقلاب و طبقه کارگر و انقلابیون و آزادیخواهی در ابعاد سراسری، سرکوب جنبش انقلابی در کردستان برای جمهوری اسلامی آسان تر شده بود. بدون این کار، سرکوب در کردستان غیرممکن بود.

تجربه انقلاب ۵۷، تجارب جنبش انقلابی در کردستان و همه تجارب تاریخی تا کنونی صحت این حکم را ثابت کرده اند که، طبقه کارگر باید صف مستقل اش را داشته باشد. از هیچ جنبشی دنباله روی نکند. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود اما هر سرنگونی ای مورد نظر ما نیست. ما سرنگونی ای می خواهیم که به برانداختن نظام سرمایه داری منجر شود. ما سرنگونی و انقلابی نمی خواهیم که شاه را ببرد و خمینی و جمهوری اسلامی را بیاورد. ما سرنگونی و انقلابی را نمی خواهیم که احمدی نژاد را بردارد و موسوی را جایش بگذارد.

سرنگونی مورد نظر کارگر و کمونیسم و انقلاب مورد نظر ما هم خوبخود و ناگهانی و يك شبه و با يك تظاهرات خیابانی و یا شورش اتفاق نمی افتد. این کار، طبقه کارگر متحد و متشکل در حزب سیاسی و کمونیستی اش را می خواهد. اعلام صف مستقل و طبقاتی کارگران را می طلبد.

و این کار می خواهد و آمادگی می خواهد و سازمان می خواهد. نمی توان بدون آمادگی و بی گذار به آب زد. نمیتوان و نباید کارگر و مردم را دنبال هر کس و ناکسی به خیابان کشاند. طبقه کارگر با سازمان خود، با حزب خود و با نقشه خود و شیوه مبارزه خود باید به مصاف بورژوازی برود.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۱.۳۰ تا ۲۳.۳۰ به وقت ایران

شما میتوانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

زنده باد سوسیالیسم